

از رامسر تا ارومیه: ابعاد بین‌المللی بحران دریاچه ارومیه

جواد امین منصور^۱

چکیده: چند سالی است که دریاچه ارومیه در اثر فعالیتهای توسعه‌ای در حوزه آبریز دچار تغییرات بوم‌شناختی شدیدی شده و با ادامه چنین شرایطی می‌رود که منطقه دچار یک فاجعه زیست محیطی گردد. ابزارهای متعدد حقوقی زیست محیطی بین‌المللی وضعیت انواع اکوسیستم‌ها از جمله اکوسیستم تالاب‌ها را مورد توجه قرار داده تعهداتی را متوجه دولت‌های متعهد نموده‌اند. از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی به دلیل آثار فرامرزی وضعیت اکوسیستم‌ها پذیرفته است کمک‌های مالی و فنی خود را در اختیار دولت‌های درخواست‌کننده بگذارد و در همین راستا کلیه دولت‌ها را مکلف نموده از طریق همکاری و تبادل دانش و تجربیات به حل و فصل چالش‌های زیست محیطی خود پردازند. کنوانسیون‌های بین‌المللی سه‌گانه: رامسر، تنوع زیستی و گونه‌های مهاجر و نیز برنامه انسان و زیست کره یونسکو از ابزارهای حقوقی بین‌المللی هستند که بیشترین ارتباط را با دریاچه ارومیه دارند. با توجه به مفاد ابزارهای یادشده، این مقاله به تعهدات خارجی و راهکارهایی می‌پردازد که دولت باید به آن‌ها برای نشان دادن پایبندی خود به اجرای وظایف محوله و نیز دریافت کمک‌های مورد نیاز برای احیای دریاچه توجه کافی مبذول نماید. راهکارها شامل درج نام دریاچه ارومیه در فهرست مونتر و کنوانسیون رامسر، طرح موضوع بحران در مجامع زیست محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، تعامل و همکاری بیشتر با کشورهای همجوار در این زمینه و استفاده از امکانات، دانش و تجربیات دیگران در مدیریت یکپارچه حوزه‌های آبریز با هدف احیای دریاچه و حفاظت از آن در آینده و نیز تدوین ابزارهای حقوقی لازم در سطح کشور نظیر "راهبرد توسعه پایدار" می‌باشد.

واژگان کلیدی: دریاچه ارومیه، تالاب، کنوانسیون رامسر، کنوانسیون تنوع زیستی، ذخیرگاه زیست کره، فهرست مونتر و، حقوق بین‌الملل محیط زیست.

۱. آقای جواد امین منصور، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل بوده و در حال حاضر رئیس اداره مذاکرات تجاری و انرژی وزارت امور خارجه است و در سال ۱۳۹۱ طی مراسمی عنوان "قهرمان تالاب‌ها" را از سوی ریاست سازمان محیط زیست کشور دریافت نمود
j.aminmansour@gmail.com

مقدمه

بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه که سال‌ها پیش شروع شده، می‌رود که به یک فاجعه زیست‌محیطی تبدیل گردد. طبق گزارش‌ها، حجم آب دریاچه به شدت کاهش یافته و آرتیمیا تنها موجود آبی مورد استفاده پرندگان در دریاچه رو به نابودی است. نتایج مطالعات فراوان و جامع انجام گرفته توسط نهادهای داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهند که در برهه فعلی کاهش قابل توجه جریان آب سطحی ورودی به دلیل بهره‌برداری بی‌رویه از آب رودخانه‌ها و احداث سدهای بزرگ و آبیگرهای متعدد در مناطق بالادست، بهره‌برداری از آب چاه‌های غیرمجاز، کشاورزی ناپایدار، خشکسالی، افزایش میزان تبخیر آب به دلیل افزایش دما، ورود پساب‌های آلوده بخش‌های کشاورزی و صنایع و زباله‌ها به منابع آب منطقه، احداث جاده در قسمت میانی دریاچه، و صید بی‌رویه آرتیمیا از عوامل اصلی بروز تغییرات بوم‌شناختی^۱ در حوزه آبریز و خود دریاچه شده و در تخریب آن مؤثر بوده‌اند. با ادامه این روند و از دست رفتن ویژگی‌های تالابی دریاچه، پرندگان مهاجر مسیرهای پروازی خود را تغییر داده و علاوه بر وارد شدن زیان‌های اقتصادی به مردم منطقه، تجربه تلخ و دردناک دریاچه آرال واقع در آسیای مرکزی در دریاچه ارومیه در حال تکرار شدن است. بدین ترتیب که جمع شدن آب‌های آلوده در نقاط عمیق دریاچه و بستر خشک اطراف آن باعث به هم خوردن تعادل بوم‌شناختی در منطقه، کمبود شدیدتر آب، گسترش انواع بیماری‌ها، توقف حمل و نقل در مسیر آبی، نابودی زیستگاه ارزشمند حیات وحش مهاجر و محلی، از بین رفتن صنعت سودآور گردشگری در منطقه و در نهایت پیدایش یک ناحیه کویری رو به گسترش با حرکت بادهای نمک‌آلود در منطقه می‌شود. بدیهی است که این وضعیت نامطلوب می‌تواند به تشدید پدیده مهاجرت مردم آسیب دیده به مناطق دیگر، اثرات سوء فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و بروز چالش‌های جدیدی در کشور منجر گردد.

در این راستا، مصاحبه‌های متعددی صورت گرفته، مقالاتی به رشته تحریر درآمده، بحث‌ها و مناظره‌های ارزشمند بسیاری در سطح داخل توسط رسانه‌های جمعی در خصوص چالش‌های پیش روی دریاچه به عمل آمده و راه‌حل‌هایی پیشنهاد شده است. دولت یازدهم هم یک کارگروه عالی‌رتبه را مسئول بررسی موضوع و ارائه راهکارهای لازم برای نجات این دریاچه روبه نابودی کرده که باید تا نیل به نتیجه یعنی رفع تهدیدها و احیای دریاچه ارومیه به فعالیت‌های خود ادامه دهد.

هدف این مقاله روشن کردن ابعاد بین‌المللی موضوع تحت بررسی می‌باشد که کمتر در مقالات و مناظره‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته است. در این چارچوب، سئوالات بسیاری مطرح است که برای روشن شدن موضوع باید پاسخ داده شود. آیا بحران دریاچه ارومیه صرفاً یک چالش داخلی است؟ آیا دولت ایران در چارچوب روابط خارجی خود تعهداتی در قبال حفاظت از دریاچه ارومیه دارد؟ اگر بلی، چه نوع تعهداتی وجود دارد؟ چرا باید جامعه جهانی نسبت به بحران دریاچه ارومیه بی‌تفاوت نباشد؟ واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به بحران جاری چه بوده و هست؟ چه راهکارهایی در چارچوب تعامل با دنیای خارج پیشنهاد می‌گردد تا ضمن اجرای تعهدات خارجی، از منابع و فناوری‌ها در سطح جهان برای احیای دریاچه ارومیه بهره‌برداری نمود؟

نوشتار حاضر که حاصل دانش و تجربه نگارنده و نتیجه سال‌ها مطالعه، مشارکت و تعامل با نهادهای بین‌المللی است، در جستجوی پاسخ به پرسش‌های بالا و روشن نمودن ابعاد بین‌المللی دریاچه ارومیه است. در این مقاله، ضمن بهره‌برداری از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، از منابع کتابخانه‌ها و تارنماهای نهادهای بین‌المللی مرتبط استفاده شده است. این مقاله علاوه بر توجه به نظریات برخی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، در چهار بخش سازمان یافته است. در ابتدا به تعهدات بین‌المللی کشور برای برنامه‌ریزی و حفاظت دریاچه ارومیه و سپس رابطه آن با برخی موضوعات زیست‌محیطی دیگر مطرح در جهان پرداخته شده است. مشاهده موضوع دریاچه از دریچه اهداف توسعه هزاره بخش سوم مقاله را تشکیل می‌دهد. در بخش چهارم اقدامات و کمک‌های جامعه بین‌المللی و چرایی آن مطرح گردیده است. پایان مقاله به نتیجه‌گیری از مباحث و ارائه پیشنهادات و راهکارهایی برای نجات دریاچه اختصاص دارد.

امید است که مفاد این نوشتار در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا مورد توجه مسئولین محترم کشور، جوامع علمی و دانشگاهی و سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم عزیز کشورمان قرار گیرد.

زمینه‌جویی

ادامه روند تخریب محیط زیست از سوی مردم از یک سو و از سوی دیگر افزایش جمعیت و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و رقابت جوامع مختلف با یکدیگر و دولت‌ها در دسترسی به این‌گونه منابع باعث شده موضوع محیط زیست به ویژه طی دهه‌های گذشته در نظر نظریه‌پردازان و دولت‌مردان از ابعاد جدیدی برخوردار گردد. از این‌رو، موضوع محیط زیست پا را از حدود محلی، ناحیه‌ای و مرزهای سیاسی بین

کشورها فراتر گذارده به صورت عنصری تعیین کننده در نوع روابط بین مسئولین نواحی مختلف در داخل یک کشور و دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی درآمده است. در این راستا، وضعیت محیط زیست برای خود به تدریج در میان عوامل مؤثر بر امنیت ملی کشورها و جهان نیز جایی باز کرده است.

با پایان جنگ سرد، تعدادی از نظریه‌پردازان محیط زیست روابط بین‌الملل با گستراندن مفهوم امنیت پا را از محدوده‌های سنتی فراتر نهاده از تمرکز بر روی عوامل سنتی تهدید در اروپا به تمرکز بر روی مخاطرات بوم‌شناختی پرداختند که تهدیدی برای هرکس بر روی کره زمین است (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۸۵).

در همین راستا، گروهی دیگر از نظریه‌پردازان با ارائه تعریفی دقیق‌تر، شش عامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، نظامی و زیست‌محیطی را اجزای تفکیک‌ناپذیر امنیت معرفی نمودند (Eubanks, Evans, Mentz & Chandler, 2000: 16). آن‌ها بدین ترتیب تعریفی وسیع‌تر از امنیت را مطرح کرده و عوامل یاد شده را در برقراری صلح یا بروز جنگ مؤثر دانستند. البته این دسته از نظریه‌پردازان تمامی مشکلات زیست‌محیطی را با مسائل امنیتی مرتبط ندانسته و تنها برخی موارد چون نگهداری و حمل و نقل پسماندهای سمی که ممکن است در ساخت سلاح کاربرد داشته باشند، تغییر آب و هوا، ماهی‌گیری بی‌رویه، آلودگی فرامرزی هوا، فرسایش لایه ازن، و منازعات ناشی از کمبود منابع آب که موجب نگرانی یا آسیب‌رسانی به کشورهای دیگر گردند را برجسته کرده‌اند. برخی دیگر محیط‌زیست را بعد از امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی به عنوان موضوع عمده سوم در جهان سیاست مطرح کرده‌اند (Porter & Brown, 1996: 1).

شرایط موجود، بدون تأکید محدود بر دشمنان سیاسی-نظامی (کانون توجه جنگ سرد) سبب تغییر در اهداف امنیتی شده است. بیشتر تهدیدهای امنیتی، دیگر از نوع تهدیدهای مبتنی بر جنگ نیستند، بلکه اغلب مخاطرات مربوط به امنیت ملی از انواع فشارهای غیرنظامی نشأت می‌گیرند و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطوح فروملی و فراملی نمود می‌یابند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۴۱).

رابرت ماندل بر این باور است که در بررسی بُعد زیست‌محیطی امنیت ملی، مناقشات بر سر منابع آب، افزایش جمعیت، مهاجرت‌های ناشی از تخریب‌های زیست‌محیطی و یا کمبود و زوال منابع طبیعی از نگرانی‌های عمده به‌شمار می‌آیند، چرا که این معضلات در ارتباط مستقیم با روش زندگی افراد و کیفیت زندگی آن‌ها قرار دارند (Mandel, 1994). روشن است که در چنین شرایطی، هرگونه همکاری بین جوامع محلی یا بین دولت‌ها در جهت جلوگیری از روند تخریب و احیای منابع طبیعی با

پیروی از سیاست‌های حفاظتی و بهره‌برداری پایدار و خردمندانه می‌تواند به دوستی هر چه بیشتر بین کنش‌گران بیانجامد و برعکس، ادامه روند تخریب و رقابت در بهره‌برداری بی‌رویه به برهم خوردن امنیت و چه بسا بروز نزاع‌های محلی و بین‌دولتی زیان‌بار منجر گردد. با عنایت به این روند، نظریه‌پردازان سیاسی و روابط بین‌الملل وارد میدان شده و نظریه‌های مهمی را در این رابطه عرضه نموده‌اند.

مسائل زیست‌محیطی، مرزهای سیاسی دولت‌ها را به‌عنوان مرزهای جداکننده به رسمیت نمی‌شناسند و همکاری متقابل دولت‌ها را امری داوطلبانه نمی‌انگارند. بلکه در مقابل، به علت طبیعت فرامرزی مشکلات پیش رو مانند تغییر آب و هوا، این وابستگی متقابل بر دولت‌ها تحمیل می‌شود و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان یک "ضرورت" تشویق می‌شود. بنابراین، حل مسائل زیست‌محیطی مستلزم تمرکز بر منافع عمومی و همکاری متقابل دولت‌ها خواهد بود. تمام این مشخصه‌ها و رویکردها باعث شده برخی تلاش کنند محیط‌زیست را به‌عنوان یک مسئله امنیتی مشترک به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جوامع عمومی بقبولانند.

در رابطه با محیط زیست رویکردهای مختلف امنیتی وجود دارد و در آن چارچوب حداقل سه نوع دیدگاه را می‌توان برشمرد:

الف) کمبود منابع طبیعی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل منازعه و بی‌ثباتی سیاسی در کشورها مطرح باشد. توماس هومر دیکسون^۱ از نخستین نظریه‌پردازانی است که در مورد ارتباط مابین کمیابی‌های منابع طبیعی و مناقشات خشونت‌آمیز تحلیلی ارائه داد. به عقیده او موضوعات زیست‌محیطی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارند. به طور مستقیم، به دنبال تحولات زیست‌محیطی، دولت‌ها برای دستیابی یا استمرار بهره‌مندی از منابع طبیعی با هم وارد رقابت و چالش می‌شوند (Homer, 1991).

ب) تحولات نامطلوب زیست‌محیطی نوعی تهدید امنیتی برای آینده کشورها محسوب می‌شوند. برخی دانشمندان و محیط‌زیست‌گرایان نظیر مایکل شپهان به حفظ ارزش محیط‌زیست برای پیشرفت علوم در آینده اشاره می‌کنند و تخریب آن را سبب بروز اختلال در پیشرفت‌های علمی آینده و تهدیدکننده امنیت بشر می‌دانند. برای نمونه هر نوع آسیب به تنوع گیاهی در سطح کره زمین را به دلیل نقش احتمالی آن‌ها در توسعه آینده داروهای پزشکی، نوعی تهدید امنیتی برمی‌شمرند (Sheehan, 2005).

پ) تخریب محیط زیست به دلیل تبعات منفی بی شمار بر سایر فعالیت‌های بشری، تهدیدی برای کشورها تلقی می‌گردد. به نظر ژودی جاکوبسون از جمله این تبعات منفی تأثیرهایی است که تخریب محیط زیست بر سطح استانداردهای زندگی در جهان سوم می‌گذارد. در بسیاری از این کشورها، رشد جمعیت، بیابان‌زایی، کمبود آب و فرسایش خاک ساکنین را مجبور می‌کند در جستجوی کار و منابع اولیه زندگی به سمت شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کنند. مهاجرت‌های گروهی مردم به سمت شهرهای همجوار، امکان بروز نزاع‌های بین اقوام را به دلیل ناتوانی نظام حاکم و همچنین محیط طبیعی در پاسخ‌گویی به تقاضاهای فزاینده مردم و گروه‌ها تشدید می‌کند. مهاجرت فرامرزی و ایجاد مسئله پناهندگان زیست محیطی به دلیل کمک خواستن از یک دولت خارجی موقعیت آسیب‌پذیرتری را ایجاد می‌کند (Jacobson, 1988).

چنانچه مشخص است از دیدگاه نظریه پردازان، روند تخریب محیط زیست و کمیابی منابع طبیعی به افزایش رقابت بین مردم برای دسترسی به منابع، درگیری، بی‌ثباتی، جابه‌جایی جمعیت و تشدید مهاجرت‌های زیست محیطی داخلی و حتی فرامرزی منجر شده تهدیدی بزرگ برای امنیت، رفاه، آسایش و حتی تمدن بشری محسوب می‌گردد.

ابعاد بین‌المللی دریاچه ارومیه

چنانچه اشاره شد، محیط زیست مرزهای سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد. سیاست‌های مختلف دولت‌ها کم و بیش بر منابع آبی، مهاجرت گونه‌های جانوری، آب‌وهوا به ویژه در مناطق مرزی، تنوع زیستی گونه‌های گیاهی و جانوری، بیابان‌زایی، تولید و جابه‌جایی آلاینده‌ها همراه با آب و خاک و هوا، تغییر آب و هوا و گرمایش زمین، بقای آبزیان در رودخانه‌های فرامرزی و آب‌های آزاد، لایه ازن و میزان آگاهی عمومی نسبت به اهمیت محیط زیست اثر می‌گذارد. از این رو طی چند دهه گذشته، جامعه بین‌المللی با برگزاری نشست‌های متعدد و مذاکرات فراوان ده‌ها ابزار حقوقی زیست محیطی را تدوین نموده که متعاقباً با پیوستن دولت‌ها به صورت الزام‌آور درآمد مرحله اجرایی شده‌اند. بدین ترتیب دولت‌های متعاقد باید ضمن همکاری با یکدیگر، به اجرای مفاد ابزارهای یاد شده پایبند باشند تا با حفظ محیط زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، سلامتی مردم و حفظ تنوع زیستی تضمین گردد. در این چارچوب، جامعه بین‌المللی پذیرفته است که همه کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به لحاظ مالی و فنی قادر به تدوین و پیشبرد کاملاً مطلوب سیاست‌های زیست محیطی ملی و فراملی نیستند. علاوه

بر آن، هر اقدام بزرگی برای حفظ محیط زیست آثار مثبتی نه تنها در سطح ملی که در سطح جهانی دارد. همچنین، دولت‌های پیشرفته صنعتی به دلیل آلوده کردن محیط زیست به‌ویژه در دوران پس از انقلاب صنعتی باید سهم بیشتری برای حفظ محیط زیست در جهان بپردازند. از این رو طبق توافقات به عمل آمده در اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) ریودوژانیرو، بر کلیه دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های صنعتی پیشرفته فرض است که با همکاری یکدیگر "مسئولیت مشترک اما متفاوتی" را در جهت رفع نارسایی‌های زیست محیطی به عهده گیرند. در پی آن، تعدادی نهاد مالی کوچک و بزرگ نظیر تشکیلات جهانی محیط زیست (جف)^۱ با هدف جمع‌آوری منابع مالی از یک سو و از سوی دیگر اعطای کمک‌های فنی و کمک به تأمین هزینه‌های پروژه‌های زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه تأسیس شد. با این توضیح، اکنون به تشریح ابعاد بین‌المللی دریاچه ارومیه پرداخته می‌شود.

۱. تعهدات بین‌المللی کشور

چندین ابزار زیست محیطی حقوقی بین‌المللی مربوط به تالاب‌ها از جمله دریاچه ارومیه وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها "کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌ها"^۲، "کنوانسیون تنوع زیستی"^۳ و "کنوانسیون گونه‌های مهاجر"^۴ می‌باشند. در کنوانسیون رامسر مستقیماً موضوع تالاب‌ها، در کنوانسیون تنوع زیستی تحت عنوان آب‌های داخل سرزمینی و ضرورت حفظ تنوع زیستی گونه‌های گیاهی و جانوری، و در کنوانسیون گونه‌های مهاجر حفاظت از گونه‌های جانوری مهاجر در طول مسیر حرکت و حفاظت از زیست‌گاه‌های آنان مورد توجه هستند. دولت ایران به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۵۴، و ۱۳۸۶ رسماً به سه کنوانسیون یاد شده پیوست. همچنین فهرست "ذخیره‌گاه‌های زیست کره"^۵ در سازمان آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ملل متحد وجود دارد که با درج داوطلبانه سایت‌های مهم در آن، دولت‌ها موظف به طراحی و اجرای برنامه‌های حفاظتی خواهند شد. الحاق دولت به ابزارهای حقوقی زیست‌محیطی بین‌المللی به‌منزله الزام‌آور شدن اجرای مفاد کنوانسیون‌ها با هدف حفاظت و بهره‌برداری پایدار از زیست‌گاه‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری بهره‌بردار در ایران و در این راستا همکاری با کشورهای دیگر

1. Global Environment Facility
2. Ramsar Convention on Wetlands
3. Convention on Biological Diversity
4. Convention on Migratory Species
5. Biosphere Reserves

بوده و قاعدتاً باید ساختارهای مناسب طراحی و مقررات لازم برای تحقق مفاد کنوانسیون‌ها تهیه، تصویب و بودجه کافی برای اجرا تأمین می‌گردید.

الف) کنوانسیون رامسر

متن کنوانسیون تالاب‌ها موسوم به کنوانسیون رامسر به‌دنبال چند سال مذاکره و گفتگو در سطح بین‌المللی طی نشست‌های ریاست رئیس وقت سازمان محیط زیست کشور و با حضور نمایندگان کشورهای دیگر علاقمند در دوم فوریه ۱۹۷۱ (۱۴ بهمن ۱۳۴۹) در شهر رامسر نهایی گردید و در سال ۱۳۵۴ برای کلیه دولت‌های طرف از جمله دولت ایران لازم‌الاجرا گردید. کنوانسیون رامسر اولین معاهده مهم چندجانبه زیست‌محیطی محسوب می‌شود که بر مبنای آن جامعه بین‌المللی همکاری وسیعی در زمینه محیط زیست به‌ویژه تالاب‌ها را شروع نمود. بر اساس مفاد کنوانسیون، دولت‌های طرف متعهد می‌شوند که تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی خود را شناسایی و پس از ثبت آن‌ها در "فهرست رامسر"، در خصوص وضع قوانین و اتخاذ سیاست‌های مناسب، مدیریت مطلوب و آموزش عمومی در جهت بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها اقدام نمایند. بدیهی است که با ثبت تالاب به عنوان "سایت رامسر" در فهرست، تعهد دولت‌های طرف کنوانسیون خاتمه نمی‌یابد. دولت‌ها باید برنامه‌ریزی‌های لازم را در جهت شناسایی و رفع تهدیدها به عمل آورند. همچنین این برنامه‌ریزی باید دارای دو بُعد "حفاظتی"^۱ و "استفاده خردمندانه"^۲ باشد.

طبق مصوبات کنفرانس طرف‌های کنوانسیون، "حفاظت" بدین معنا است که بدنه آبی تالاب و گونه‌های گیاهی و جانوری استفاده‌کننده از تالاب که در حوزه آبریز قرار دارند از خطرها و تهدیدها مصون باشند؛ به‌گونه‌ای که بتوانند به حیات و موجودیت خود ادامه دهند. "بهره‌برداری خردمندانه" از تالاب‌ها تنها با برنامه‌ریزی و مشارکت نهادهای مرتبط و مردم محلی و نیز استفاده از دانش سنتی و مدرن ممکن خواهد بود. بدیهی است که سیاست‌ها و اقدامات باید به‌نحوی باشند که به رفع فقر، کاهش آلودگی‌ها، تطبیق شرایط با پیامدهای تغییر آب و هوا، جلوگیری از شیوع امراض و بروز بلایای طبیعی ناشی از گرم شدن زمین بیانجامند. نتیجه مورد انتظار، بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها توسط کلیه دولت‌های طرف، مشارکت هر چه بیشتر مردم و نهادهای دخیل در مدیریت یکپارچه تالاب‌ها و سیاست‌گذاری‌های حفاظتی و اقدام با عنایت به اهمیت خدمات اکوسیستم تالاب‌ها می‌باشد.

1. Conservation
2. Wise Use

براساس ماده ۴ کنوانسیون، دولت‌های متعهد موظفند حفاظت از تالاب‌ها و پرندگان آبی اعم از مهاجر یا بومی را با ایجاد ذخیره‌گاه‌های طبیعی تالابی، صرف‌نظر از این که در فهرست رامسر باشند یا نباشند، ارتقاء دهند.

در اینجا کنوانسیون با الزام دولت‌های طرف به ایجاد ذخیره‌گاه‌های طبیعی تالابی، آن‌ها را به تعیین و اعلام مناطق تالابی به عنوان ذخیره‌گاه و مناطق حفاظت شده فرا می‌خواند. این بند به طور مشخص بروز تغییرات و اصلاحاتی را در قوانین داخلی مربوط به حفاظت از محیط زیست خصوصاً تالاب‌ها و افزایش امکانات و منابع انسانی مربوطه توصیه می‌نماید.

تاکنون ۲۴ تالاب با اهمیت بین‌المللی در ایران با مساحت حدود یک میلیون و پانصد هزار هکتار به‌عنوان سایت رامسر ثبت شده‌اند. دریاچه ارومیه یکی از این تالاب‌ها است که در سال ۱۳۵۴ با مساحت ۴۸۳۰۰۰ هکتار در فهرست رامسر ثبت گردید. از سال ۱۳۷۸ "کمیته ملی رامسر" در ایران به منظور هماهنگی سیاست‌ها و فعالیت‌های نهادهای داخلی کشور و همچنین اجرای مفاد کنوانسیون و مشارکت در برنامه‌ها و نشست‌های بین‌المللی مربوط به کنوانسیون شروع به کار نمود.

در اردیبهشت ۱۳۷۶ یک هیأت کارشناسی دبیرخانه برای بررسی وضعیت تالاب‌های ایران خصوصاً سایت‌های رامسر، احیای آن‌ها و نحوه مدیریت تالاب‌ها به جمهوری اسلامی ایران عزیمت نمود و در پایان سفر گزارشی همراه با توصیه‌های خاص ارائه داد. در این گزارش ضمن تقدیر از فعالیت‌های صورت گرفته، در زمینه‌های یکپارچه کردن مدیریت تالاب‌ها و ضرورت مشارکت جوامع محلی در مدیریت، تهیه پیش نویس پروژه حفاظت از تالاب‌های ایران جهت ارائه و بهره‌برداری از منابع مالی و کمک کارشناسی خارجی و نیز ارتقای آگاهی عمومی خصوصاً در اطراف سایت‌های با اهمیت بین‌المللی رامسر توصیه‌هایی نمود.

طبق تصمیم دولت‌های طرف کنوانسیون رامسر، "فهرست مونترو"^۱ در سال ۱۳۷۵ برای درج نام تالاب‌های دچار تغییرات اکولوژیکی ناشی از فعالیت‌های انسانی و به منظور جلب توجه جامعه بین‌المللی و ارائه کمک گشایش یافت. در بازه زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲، هفت مورد سایت رامسر-تالاب با اهمیت بین‌المللی- در ایران بنا به درخواست دولت در فهرست مونترو درج گردیدند. این سایت‌ها شامل آلاگل و اولماگل و آجیگل، تالاب انزلی، هامون پوزک، هامون صابری، دریاچه نیریز و تالاب کمجان، شادگان و خورالامیه و خور موسی، و مجموعه تالاب‌های شورگل و یادگارلو و درگه سنگی

می‌باشند. سایت‌های یاد شده که حدود یک‌سوم کل مساحت سایت‌های رامسر در ایران را در بر می‌گیرند از وضعیت وخیمی برخوردار بوده‌اند. بدیهی است که این وضعیت شایسته کشور ایران که محل نهایی‌شدن متن کنوانسیون بوده نمی‌باشد. در حال حاضر هم تالاب‌های دیگری با وضعیت بحرانی نظیر ارومیه در کشور وجود دارند که در فهرست مونترو درج نشده‌اند. قابل توجه آن که در اثر تلاش‌های به‌عمل آمده در جهت احیای تالاب‌های آسیب‌دیده، تالاب‌های آلاگل، اولماگل و آجیگل در تیر ۱۳۸۸ از فهرست مونترو حذف گردیدند.

ب) کنوانسیون تنوع زیستی

به‌لحاظ نوع موضوعات زیست محیطی تحت پوشش و اهداف، شباهت زیادی میان مفاد کنوانسیون حفاظت از تالاب‌ها، به‌عنوان یکی از بسترهای ضروری برای ادامه حیات و تکثیر گونه‌های گیاهی و جانوری و کنوانسیون تنوع زیستی مشاهده می‌گردد. کنوانسیون تنوع زیستی سه هدف عمده را دنبال می‌نماید که حفظ تنوع زیستی و بهره‌برداری پایدار از گونه‌های گیاهی و جانوری از آن جمله‌اند.

ماده ۶ کنوانسیون تنوع زیستی، هر دولت طرف را مکلف می‌نماید که به تدوین راهبردها و برنامه‌های ملی برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی بپردازد. همچنین دولت‌ها باید تا حد ممکن حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی را در برنامه‌ها و سیاست‌های فرابخشی خود بگنجانند. طبق ماده ۱۰ کنوانسیون، دولت‌ها باید به نحوی از منابع زیستی استفاده نمایند که از پیامدهای منفی آن بر تنوع زیستی پرهیز نموده یا آن را به حداقل برسانند. دولت‌ها باید همچنین از مردم محلی در جهت احیای مناطق با تنوع زیستی آسیب دیده حمایت نمایند.

دومین نشست کنفرانس طرف‌های کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۳۷۴ در جاکارتا، "رهیافت اکوسیستمی"^{۱)} را به‌عنوان یک چارچوب اولویت‌دار برای اقدام و اجرای کنوانسیون به رسمیت شناخت. طبق تعریف به‌عمل آمده توسط دولت‌های طرف، رهیافت اکوسیستمی یک راهبرد برای مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع زنده است که باعث ارتقای حفاظت و بهره‌برداری پایدار در حالی متعادل می‌شود. مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع زنده نیاز به برقراری ارتباطات و همکاری بخش‌های مختلف در سطوح گوناگون بین دولت، جوامع مدنی و بخش خصوصی از یک سو، و ارتباط با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دیگر دارد.

طی دهمین نشست طرف‌های کنوانسیون تنوع زیستی در ناگویا، ژاپن، در اکتبر ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)، دولت‌های شرکت‌کننده پس از بحث و بررسی‌های فراوان "برنامه راهبرد تنوع زیستی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ و اهداف آچی" را مورد تصویب قرار دادند. در پی آن، اجلاس ۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای^۱ بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹) را "دهه تنوع زیستی" با هدف کمک به اجرای برنامه راهبرد یادشده اعلام نمود. اهداف راهبردی پنج‌گانه و اهداف کمی بیست‌گانه آچی که کلیه دولت‌ها و سایر عوامل درگیر مکلف به تلاش برای تحقق آن تا سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) شده‌اند، به شرح زیر می‌باشد:

- مورد توجه قراردادن عوامل تخریب تنوع زیستی با طرح تنوع زیستی به‌عنوان یک موضوع اصلی در دولت و مردم. در این هدف کلی، آگاهی مردم نسبت به ارزش‌های تنوع زیستی، در نظر گرفتن ارزش‌های تنوع زیستی در برنامه‌های توسعه‌ای محلی و ملی و راهبردهای کاهش فقر، حذف یارانه‌های مضر برای تنوع زیستی، ارائه مشوق‌ها برای حفظ تنوع زیستی و بهره‌برداری پایدار و برداشتن قدم‌هایی توسط دولت و دیگر عوامل درگیر برای اجرای برنامه‌های تولید و مصرف پایدار و استفاده از منابع طبیعی با در نظر گرفتن محدودیت‌های اکولوژیک درج شده‌اند.

- کاهش دادن فشارهای مستقیم به تنوع زیستی و ارتقای بهره‌برداری پایدار. در این هدف کلی، رسیدن میزان تخریب زیستگاه‌های طبیعی از جمله جنگل‌ها به نصف و در صورت امکان به صفر، بهره‌برداری پایدار از کلیه ذخایر دریایی از جمله ماهیان و گیاهان همراه با طرح‌ها و اقدامات احیاکننده آبزیان در معرض انقراض، مدیریت پایدار مناطق کشاورزی و جنگلی، کاهش آلاینده‌ها به‌نحوی که برای تنوع زیستی و عملکرد اکوسیستم مضر نباشند، شناسایی و اولویت‌بندی گونه‌های مهاجم بیگانه و مسیرهایی برای کنترل و مدیریت آن‌ها و به حداقل رساندن فشارهای چندگانه ناشی از تغییر آب‌وهوا بر مرجان‌ها در نظر است؛

- بهبود وضعیت تنوع زیستی با حفاظت از اکوسیستم‌ها، گونه‌ها و تنوع ژنتیک. در این هدف کلی، حفاظت از حداقل ۱۷ درصد از بدنه‌های آبی محصور در خشکی و ۱۰ درصد مناطق دریایی و ساحلی در قالب مناطق حفاظت شده، جلوگیری از نابودی گونه‌های در معرض انقراض و حفظ تنوع ژنتیک گیاهان کشت شده و حیوانات اهلی که دارای ارزش فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مد نظر هستند؛

- تعمیم منافع ناشی از تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی به همه. احیا و حفاظت از اکوسیستم‌هایی که خدمات مربوط به آب و سلامت و رفاه را ارائه می‌دهند. افزایش تاب‌آوری اکوسیستم و کمک تنوع زیستی به انباشت کربن از طریق حفاظت و احیا با لاقط احیای ۱۵ درصد اکوسیستم‌های تخریب‌شده در این چارچوب می‌گنجند.

- اجرای بهتر با مشارکت همگان در برنامه‌ریزی، مدیریت دانش و ظرفیت‌سازی. تصویب و شروع به اجرای راهبرد و برنامه عمل تنوع زیستی توسط هر دولت متعهد (تا ۲۰۱۵)، رعایت دانش و عملکرد مردم بومی مربوط به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی، بهبود و انتقال و استفاده از دانش و فناوری‌های مربوط به تنوع زیستی و بسیج منابع مالی برای اجرای برنامه راهبرد تنوع زیستی ۲۰۲۰-۲۰۱۱ از تمامی منابع توصیه شده است.

- چشم‌انداز در نظر گرفته شده تا ۲۰۵۰ برای تنوع زیستی، شامل ارزش‌گذاری، حفاظت، احیا، استفاده خردمندان، برقراری خدمات اکوسیستمی، پایداری یک شبکه سالم و ارائه منافع مهم به همه می‌باشد.

پ) کنوانسیون گونه‌های مهاجر

هدف از تدوین و تصویب کنوانسیون گونه‌های مهاجر حفاظت از گونه‌های مهاجر آبی، خشکی‌زی و هوازی در طول مسیر حرکت با تلاش برای حفاظت از حیات وحش و زیستگاه‌های آنان در سطح جهان است. دولت‌های طرف کنوانسیون مکلفند برای حفاظت از حیوانات مورد اشاره، در جهت حفظ یا احیای زیستگاه‌های واقع در مسیر حرکت حیوانات مهاجر، رفع موانع مهاجرت و کنترل عواملی که ممکن است جان آن‌ها را به خطر بیاندازد تلاش نمایند.

در این چارچوب و برای اجرای مفاد کنوانسیون و مصوبات نشست‌های اعضا، کنوانسیون دولت‌های در مسیر گونه‌های مهاجر را تشویق به همکاری و امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه می‌نماید.

دولت جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۸۶ به کنوانسیون گونه‌های مهاجر پیوست و بدین‌وسیله متعهد به اجرای مفاد آن گردید. دریاچه ارومیه و حوزه آبریز آن هر ساله میزبان صدها هزار پرنده مهاجر نظیر فل‌مینگو و پلیکان بوده و اهمیت بین‌المللی آن به‌عنوان زیستگاهی وسیع و غنی بر کسی پوشیده نیست.

ت) ذخیره‌گاه‌های زیست کره یونسکو

ذخیره‌گاه‌های زیست کره درحقیقت مناطق حفاظت‌شده‌ای هستند که توسط دولت‌ها تعیین و توسط "شورای هماهنگی بین‌المللی برنامه انسان و کره مسکون یونسکو"^۱ به رسمیت شناخته می‌شوند. هدف از این اقدام، ارتقای رابطه متوازن بین انسان و کره مسکون و توسعه پایدار براساس تلاش‌های جوامع محلی با استفاده از علوم می‌باشد. در این چارچوب، تلاش می‌گردد حفاظت از تنوع زیستی و تنوع فرهنگی و نیز توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق مشارکت بین مردم و طبیعت صورت پذیرد. این رهیافت، گستره‌ای از همکاری بین مردم محلی اطراف مناطق حفاظت‌شده تا جامعه بین‌المللی را در بر گرفته و به‌عنوان مناطقی که در آن‌ها بهترین عملکرد مدیریتی در رابطه با طبیعت و فعالیت‌های انسانی به نمایش گذارده می‌شود شناخته می‌شوند. علاوه بر آن، این‌گونه مناطق نمونه‌هایی از اجرای مصوبات اجلاس سران توسعه پایدار و همچنین اجرای مفاد کنوانسیون تنوع زیستی می‌باشند.

بعد از این که منطقه‌ای توسط یک دولت به‌عنوان "ذخیره‌گاه زیست کره" تعیین گردید، حاکمیت آن دولت همچون گذشته بر آن ادامه یافته و همزمان تجربیات و نظرات دولت‌های علاقمند در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب "شبکه جهانی ذخیره‌گاه‌های زیست کره" مبادله می‌گردند.

در ماده ۴ اساسنامه شبکه جهانی ذخیره‌گاه‌های زیست کره^۲ معیارهای هفت‌گانه‌ای برای تعیین ذخیره‌گاه مشخص گردیده است. بعد از تعیین محدوده به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست کره، طبق ماده ۹ اساسنامه، دولت ذی‌ربط باید هر ده سال یک‌بار گزارشی (دوره‌ای) از وضعیت آن و سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته برای ارتقای وضعیت آن به دبیرخانه یونسکو ارائه دهد. گزارش‌های دریافتی در کمیته مشورتی ذخیره‌گاه‌های زیست کره بررسی شده توصیه‌های لازم به شورای هماهنگی بین‌المللی به عمل خواهد آمد. شورا پس از بررسی وضعیت‌ها و توصیه‌ها درخصوص انجام اقداماتی توسط دولت ذی‌ربط با حمایت دبیرخانه یا خارج شدن منطقه تحت بررسی از فهرست ذخیره‌گاه‌ها تصمیم خواهد گرفت.

در حال حاضر ۶۲۱ منطقه در ۱۱۷ کشور به‌عنوان ذخیره‌گاه‌های زیست کره ثبت گردیده‌اند. دریاچه ارومیه به همراه هشت سایت ارسباران، ارجان، گنو، گلستان، حرا، کویر، میانکاله، توران در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) و سایت دنا در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)

1. UNESCO Man and Biosphere Program

2. Statutory Framework for the World Network of Biosphere Reserves

در فهرست "ذخیره‌گاه‌های زیست کره یونسکو"^۱ قرار گرفتند. با این اقدام، درحقیقت دولت ایران تعهدات بین‌المللی جدیدی را مبنی بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از ذخیره‌گاه‌های طبیعی یادشده متقبل گردید. اولین و دومین گزارش دوره‌ای ایران درخصوص ذخیره‌گاه‌های ۹گانه به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) و ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) به دبیرخانه ارائه شده‌اند.

در ایران، کمیسیون ملی یونسکو، مرجع ملی برنامه انسان و زیست کره می‌باشد.

۲. رابطه بین تالاب‌ها و سایر موضوعات مطرح زیست‌محیطی

رابطه متقابل تالاب‌ها و پدیده تغییر آب و هوا بر همگان روشن است. تالاب‌ها تعادل بوم‌شناختی در یک منطقه را حفظ نموده از آثار سوء خشکسالی و گرمایش زمین می‌کاهند. پدیده گرمایش زمین نیز به تبخیر هر چه بیشتر آب تالاب‌ها کمک نموده اثراتی مخرب بر این بدنه‌های آبی ارزشمند دارد. دبیرخانه کنوانسیون تغییر آب و هوا جزواتی تحت عنوان "تالاب‌ها و تغییر آب و هوا" منتشر نموده که قابل توجه هستند. دبیرخانه یاد شده همچنین در همکاری با کمیته علمی کنوانسیون موسوم به "پانل بین‌دولتی تغییر آب و هوا" و دبیرخانه کنوانسیون رامسر مسائل مربوط به تالاب‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

شایان ذکر آن که کشور ایران به‌طور کلی و تالاب‌های کشور به‌طور خاص، از جمله دریاچه ارومیه، از دو نوع خشکسالی رنج می‌برند که توجه به آن در بررسی‌ها و فرایند تصمیم‌گیری ضروری می‌باشد. نوع اول، خشکسالی‌های سنتی و دوره‌ای است که در برخی مناطق کره زمین از جمله کشورمان جریان دارد. این نوع خشکسالی جزو بلایای طبیعی خارج از کنترل انسان تلقی گردیده و با اتخاذ تدابیری تنها می‌توان آثار سوء آن را به حداقل رساند. نوع دوم، خشکسالی است که در اثر گرم شدن تدریجی زمین و بروز پدیده تغییر آب و هوا به وجود آمده است. در اثر این پدیده ناشی از فعالیت‌های انسانی، برخی مناطق شاهد خشکسالی و کمبود آب، تغییر الگوهای بارش، بارش آبی و سیلاب، خشک شدن یا کاهش حجم آب برخی تالاب‌ها، بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها، رانش زمین و آسیب وارد شدن به بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری می‌شود. از این‌رو، دولت‌ها باید به‌طور دسته‌جمعی با انجام همکاری‌های علمی و تبادل تجربیات و اطلاعات برای گرفتن تصمیمات صحیح و جلوگیری و به حداقل رساندن آسیب‌ها و مخاطرات ناشی از آن تلاش نمایند.

رابطه بین تالاب‌ها و پدیده بیابان‌زایی نیز غیرقابل انکار است. حفاظت از تالاب‌ها می‌تواند بخشی از اقدامات در جهت مقابله با بیابان‌زایی تلقی گردد. به عبارت دیگر، نابودی تالاب‌ها به بیابان‌زایی کمک می‌نماید و نابودی دریاچه ارومیه از این قاعده مستثنی نبوده و می‌تواند منشأ ایجاد و گسترش بیابانی خشک در دو استان آذربایجان غربی و شرقی و چه بسا فراتر از آن شود.

وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه در برهه فعلی، نشان‌دهنده نارسایی یا بی‌توجهی به قوانین داخلی، عدم وجود هماهنگی و همکاری کافی و نیز عدم پایبندی مطلوب به ابزارهای حقوقی زیست‌محیطی بین‌المللی نظیر کنوانسیون رامسر، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون گونه‌های مهاجر می‌باشد. قوانین و معاهداتی که بر حفاظت مؤثر از حوزه‌های آبریز، اکوسیستم تالاب‌ها و بهره‌برداری پایدار و عاقلانه از گونه‌های گیاهی و جانوری و حفظ اکوسیستم مناطق حفاظت‌شده و سایت‌های ثبت شده تأکید دارند. وضعیت حاضر درحقیقت هشدار است که توجه خاص کلیه مسئولین محترم و مردم آگاه کشور را برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ‌تر زیست‌محیطی در کشور می‌طلبد.

۳. کمک‌های بین‌المللی

با توجه به آثار سوء یا مثبت هر اقدامی در عرصه تالاب‌ها در یک کشور بر کشورهای دیگر، جامعه بین‌المللی جمع‌آوری و اعطای کمک به کشورهای نیازمند را در دستور کار خود قرار داده است. در این رابطه و به‌منظور احیای دریاچه ارومیه، خوشبختانه تلاش‌های چند ساله تعدادی از نهادهای ملی و بین‌المللی درگیر به ثمر رسید و پروژه "حفاظت از تالاب‌های ایران" با کمک‌های مالی و فنی مشترک دولت و تشکیلات جهانی محیط زیست (جف) در سال ۱۳۸۴ با هدف احیای دریاچه ارومیه و تالاب‌های پریشان و شادگان به راه افتاد، پروژه‌ای که سهم مالی دولت ایران و جف در آن به ترتیب ۱۰۳۲۰۰۰۰ و ۲۹۱۵۰۰۰ دلار آمریکا بود. حاصل این پروژه، "برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه" و همچنین برنامه‌های مدیریتی برای دو تالاب دیگر است که در اختیار همگان قرار دارد. در این برنامه ارزشمند مدیریت جامع دریاچه ارومیه و راهبرد حفاظت و بهره‌برداری پایدار از دریاچه ترسیم گردیده و برقراری یک نظام مدیریت اکوسیستمی برای دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن مبتنی بر اصول مدیریت یکپارچه منابع آب و خاک در سطح حوضه آبریز و توسعه پایدار و مشارکت مؤثر کلیه ذی‌نفعان، از جمله جوامع محلی در امور مدیریت دریاچه پیش‌بینی شده است. این برنامه توسط سازمان حفاظت محیط زیست در قالب طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب‌های ایران با همکاری نهادهای ذی‌ربط در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و کردستان و

با استفاده از تجربیات موفق بین‌المللی و در راستای تحقق ماده ۶۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تدوین گردیده است.

در چشم‌انداز ۲۵ ساله در نظر گرفته شده در برنامه، دریاچه ارومیه، دریاچه‌ای با آب کافی برای پایدارسازی، چشم‌انداز زیبا و تنوع زیستی غنی که مردم و جوامع محلی از ظرفیت‌های حوضه آبریز بهره‌برداری خردمندانه می‌کنند، آگاهانه در حفاظت پایدار آن کوشا هستند و دریاچه بستری برای تقویت تعامل و گسترش همکاری‌های سازنده میان نهادها در استان‌های ذی‌ربط خواهد بود. امید است با عزم ملی و حمایت مسئولین در سطوح ملی و محلی و نیز کمک مردم، برنامه به اهداف تعیین شده خود برسد.

علاوه بر صندوق اصلی جف، صندوق‌های دیگری نظیر "برنامه کمک‌های کوچک جف"^۱ برای حمایت مالی از طرح‌های زیست محیطی تشکل‌های مردم‌نهاد و "صندوق کمک‌های کوچک رامسر"^۲ برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها وجود دارند که از تشریح چگونگی فعالیت آن‌ها در این مقاله خودداری می‌گردد. "صندوق سبز آب و هوا"^۳ نیز برای حمایت مالی و فنی از پروژه‌های مقابله با تغییر آب و هوا در حال شکل‌گیری است که قرار است منابع مالی قابل توجهی در اختیار آن قرار گیرد. بدیهی است برای بهره‌برداری از منابع مالی نهادهای مالی فراملی، باید تمهیدات لازم از جمله توسعه منابع انسانی به عمل آید.

لازم به ذکر است، دریافت کمک‌های بین‌المللی نمی‌تواند از سایه فضای سیاسی حاکم بر روابط کشور با دنیای خارج به ویژه کشورهایی که تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از منابع مالی موجود برای پروژه‌های زیست محیطی از طریق مجاری دوجانبه و چندجانبه هستند بی‌نصیب باشد. وجود تنش در روابط و نیز تحریم‌های اقتصادی، هر چند فعالیت‌های زیست محیطی را به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار نمی‌دهد، در میزان بهره‌مندی کشور از کمک‌های بین‌المللی تأثیر منفی گذارده و می‌گذارد.

۴. اهداف توسعه هزاره

هرگاه سخن از محیط زیست و تعهدات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار به میان می‌آید، نمی‌توان از طرح "اهداف توسعه هزاره"^۴ چشم‌پوشی نمود؛

-
1. GEF Small Grants Program
 2. Ramsar Small Grants Fund
 3. Climate Green Fund
 4. Millennium Development Goals

اهدافی که در نشست هزاره سران^۱ کشورها تصویب شد و ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به‌عنوان سال هدف برای نیل به آن‌ها تعیین گردید. کلیه اهداف هشت‌گانه توسعه‌ای مصوب نشست سران درخصوص: رفع فقر، آموزش، توانمندسازی زنان، مرگ‌ومیر کودکان، بهداشت زایمان، مقابله با آیدز و مالاریا، پایداری محیط زیست و مشارکت جهانی برای توسعه به‌نوعی و کم‌وبیش با محیط زیست مرتبط هستند. البته هدف شماره هفت، "پایداری"^۲ به‌طور مستقیم محیط زیست را مورد خطاب قرار می‌دهد و در آن ادغام اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی، برعکس نمودن روند نابودی منابع طبیعی، کاهش پنجاه درصدی تعداد مردمی که دسترسی پایدار به آب آشامیدنی سالم ندارند و بهبود قابل ملاحظه وضعیت زندگی مردم حاشیه‌نشین در نظر گرفته شده‌اند. بدین ترتیب، کلیه دولت‌های شرکت‌کننده در اجلاس هزاره سران متعهد شدند به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نمایند که تا سال ۲۰۱۵ به اهداف تعیین شده در اعلامیه دست یابند.

با عنایت به روند تحولات در حقوق بین‌الملل محیط زیست و اهداف تعیین شده در قالب توسعه پایدار، باید اذعان نمود که اگر در فعالیت‌های توسعه‌ای ملاحظات زیست‌محیطی رعایت نگردند و فعالیت‌ها در بخش‌های انرژی، صنعت، مسکن، کشاورزی و حمل و نقل به‌صورتی انجام شوند که به محیط زیست و منابع طبیعی از جمله آب، خاک و هوا و نیز تنوع زیستی آسیب‌های جدی وارد نمایند، دیگر نمی‌توان ادعای پایبندی به موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را داشت و در این صورت اجرای کلیه اهداف توسعه هزاره غیرممکن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

چنانچه تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد، دیدگاه حفاظتی محض به دلیل هزینه‌ساز بودن آن معمولاً مورد استقبال عموم و مسئولین دولت‌ها قرار نمی‌گیرد. بطور کلی عدم بهره‌برداری و جلوگیری از برخورداری مردم از منافع اقتصادی منابع طبیعی، انگیزه‌های لازم در جهت حفاظت را از بین می‌برد و این خود عاملی مخرب و نابودکننده برای موضوع مورد بحث در این بخش یعنی تالاب است. از این‌رو، بهره‌برداری پایدار و

۱. Millennium Summit که با حضور رهبران و سایر مقام‌های عالی‌رتبه ۱۸۹ کشور جهان شامل رییس ۱۴۷ دولت در سپتامبر سال ۲۰۰۰ (شهریورماه ۱۳۷۹) در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار و در پایان "اعلامیه هزاره" منتشر گردید.

خردمندان به نحوی که چرخه و تعادل طبیعت به هم نخورد و نابودی منابع آبی و انواع گونه‌ها را در بر نداشته باشد به عنوان راه‌حلی قابل قبول برای اقدام عرضه گردیده است. در این روش، انگیزه‌های لازم برای جلوگیری از استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی توسط مردم بومی و دولت‌ها به صورتی که منجر به تخریب این منابع نگردد و جهت بهره‌برداری در آینده به وجود می‌آید. البته باید توجه داشت که دو روش "حفاظتی" و "بهره‌برداری پایدار" مکمل، و نه جایگزین یکدیگرند و در هر کشوری متناسب با شرایط آب و هوایی، میزان شکنندگی اکوسیستم‌ها و نوع نیازها پیش گرفته می‌شوند.

باید متذکر شد که تعیین و تدوین هر چه سریع‌تر راهبرد یا سیاست‌های ملی در خصوص تالاب‌ها به منظور توقف تخریب، حفاظت و بهره‌برداری خردمندان و پایدار از تالاب‌ها ضروری است. این راهبرد یا سیاست‌های ملی باید جزیی از "راهبرد توسعه پایدار" کشور باشد و ارزش‌گذاری منابع تالابی، ارزیابی اثرات محیط بر تالاب‌ها اعم از عوامل طبیعی و فعالیت‌های انسانی، قانون‌گذاری، ظرفیت‌سازی، مشارکت مردم محلی در برنامه‌ریزی و اجرا، استفاده از دانش و روش‌های صحیح سنتی و به طور کلی مدیریت یک‌پارچه تالاب‌ها را شامل شود. علاوه بر آن، طبق بیانیه‌های متعدد سران دولت‌ها از جمله در نشست‌های عالی‌رتبه سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲، دولت‌ها مکلف به تدوین و تصویب هر چه سریع‌تر ابزارهای حقوقی لازم در سطح کشور و نقشه‌های راه برای مشخص کردن اهداف مورد نظر و وظایف نهادها در رابطه با توسعه و محیط زیست شده‌اند. در این راستا می‌توان از "راهبرد مقابله با تغییر آب و هوا"، "مدیریت یک‌پارچه حوزه‌های آبریز و تالاب‌ها" در سراسر کشور و "راهبرد کاهش فقر" نام برد که عدم وجود آن‌ها باعث تشدید چالش‌های زیست‌محیطی در کشور و افزایش تأثیرات منفی فعالیت‌های توسعه‌ای ناپایدار بر سلامت مردم و محیط زیست می‌شود.

نکته‌ای که در رابطه با محیط زیست توسط نظریه‌پردازان جدید به آن اشاره شده و جای تأمل بسیار دارد، بُعد امنیتی موضوع است. بدین معنا که دولت‌ها باید به حفظ محیط زیست به‌عنوان وسیله‌ای برای تأمین امنیت و جلوگیری از بروز درگیری داخلی و حتی جنگ با کشورهای دیگر نیز نگاه کنند. تخریب منابع طبیعی و تشدید رقابت بر سر بهره‌برداری از منابع باعث پیدایش مشکلات امنیتی شده و از آنجایی که منابع طبیعی به راحتی قابل جایگزینی و احیا نیستند، درگیری‌ها می‌تواند برای مدتی طولانی و یا برای همیشه ادامه پیدا کند. مشخص است که هزینه و آثار سوء درگیری‌ها از هزینه حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی بسیار بیشتر است.

برای حفظ محیط زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی کشور عزم ملی در کلیه سطوح مدیریتی و نهادهای گوناگون ملی مورد نیاز است. سازمان محیط زیست که

مسئولیت حفظ محیط زیست کشور از جمله تالاب‌ها را به‌عهده دارد باید از اختیارات قانونی کامل‌تر و قوی‌تر، نیروی انسانی آگاه و متعهد و کارا، تجهیزات پیشرفته و کافی و به‌طور کلی دستگاه اداری مقتدر برای انجام هر چه بهتر وظایف محوله در داخل و در تعامل با دنیای خارج برخوردار باشد. در این راستا، از نقش غیرقابل انکار و مؤثر تشکلهای زیست‌محیطی مردم‌نهاد و جامعه دانشگاهی به‌عنوان بخش‌های تفکیک‌ناپذیر هرگونه حرکت موفقیت‌آمیز در داخل و نیز نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نباید غافل شد. انجام این‌گونه تمهیدات سبب می‌شود که علاوه بر اجرای قوانین داخلی و انجام تعهدات بین‌المللی، زمینه‌های لازم برای استفاده هر چه بیشتر از امکانات داخلی و نیز منابع مالی قابل توجه و امکانات علمی در جهان فراهم آید. در غیر این‌صورت و با ادامه روند انقراض گونه‌های ارزشمند گیاهی و جانوری، شرایط زندگی انسانی نیز سخت‌تر و سخت‌تر شده و روند توسعه در کشور با مخاطرات زیاد و موانع متعدد جدی مواجه خواهند شد. بدیهی است چاره‌جویی هر چه سریع‌تر در این زمینه باعث جلوگیری از نابودی تدریجی منابع طبیعی -منابعی که در صورت انقراض قابل احیا نیستند- و محیط زیست و سبب حرکت کاروان توسعه در مسیر صحیح و پایدار خود خواهد شد.

به هر حال فعالیتهای توسعه‌ای باعث میزانی از تخریب در محیط زیست می‌شوند و با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی باید به حداقل برسند. علاوه بر آن، پیش‌بینی می‌شود که "تغییر آب و هوا" عامل مهمی در نابودی محیط زیست در قرن حاضر خواهد بود. در چنین شرایطی باید توجه نمود، در صورتی که عوامل یاد شده با سیاست‌های صحیح و به موقع مدیریت شوند و ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت توسعه‌ای با جدی‌گرفتن "ارزیابی اثرات زیست محیطی" پروژه‌ها لحاظ گردند، میزان تخریب محیط زیست به حداقل خواهد رسید و از بروز فاجعه زیست محیطی جلوگیری خواهد شد..

انجام پروژه‌های توانمندسازی زیست محیطی با استفاده از بودجه ملی و کمک‌های مالی و فنی نهادهای بین‌المللی قطعاً در ظرفیت‌سازی از جمله آموزش نیروی انسانی، تدوین مقررات جدید، اصلاح قوانین داخلی، شناسایی ضعف‌ها و تهدیدها، افزایش آگاهی عمومی، بالابردن میزان مشارکت هر چه بیشتر تشکلهای مردم‌نهاد و جوامع محلی مؤثر بوده‌اند. البته باید در نظر داشت که منابع مالی و سایر امکانات اختصاص داده شده به پروژه‌ها در سطح بین‌المللی در حد مطلوب و متناسب با نیازها

نبوده و نیست. علاوه بر آن، برخی عوامل در داخل مانند ملاحظات صرف توسعه‌ای، عدم توجه به نگرانی‌های زیست محیطی و هشدارها، بی‌توجهی برخی مسئولین به پیامدهای منفی زیست محیطی فعالیت‌های انسانی، فقدان آگاهی کافی مردم نسبت به اهمیت حفظ محیط زیست، فقدان قوانین مناسب، منافع اقتصادی برخی اقشار جامعه در تخریب محیط زیست و بعضی رقابت‌های ناسالم، مانع بهره‌برداری مطلوب و متوازن از منابع مالی موجود در داخل و خارج می‌گردند.

با عنایت به مطالب مورد اشاره در این مقاله درخصوص دریاچه ارومیه به‌عنوان یک چالش بزرگ زیست محیطی و نیز طبق تعهدات بین‌المللی کشور در رابطه با دریاچه به‌طور خاص، پیشنهادات زیر در تعامل با نهادهای زیست محیطی بین‌المللی و سایر دولت‌ها به منظور جلب توجه و همکاری در زمینه‌های مالی و فنی و نیز تبادل اطلاعات و تجربیات ارائه می‌گردد:

۱. "برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه" به‌طور دقیق و کامل توسط کلیه نهادهای ذی‌ربط و با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های علمی و دانشگاهی و جوامع محلی اجرا گردد. در این راستا، باید سازوکارهای در نظر گرفته شده از جمله مدیریت یک‌پارچه حوزه آبریز برقرار و منابع مالی و سایر امکانات مورد نیاز فراهم گردند. در صورت نیاز، پروژه‌های تکمیلی نیز تهیه و تصویب گردند.

۲. گزارش‌هایی علمی و واقع‌بینانه از وضعیت و مدیریت دریاچه‌های "سوان" در ارمنستان و "وان" ترکیه که در نزدیکی حوزه آبریز دریاچه ارومیه واقع هستند و از آب و هوای نسبتاً یکسانی برخوردارند تهیه و ارائه گردد. مقایسه وضعیت سه دریاچه با در نظر گرفتن میزان بارش سالانه و مقایسه فعالیت‌های انسانی در حوزه‌های آبریز سه گانه می‌تواند علاوه بر تشخیص میزان تقریبی تأثیر پدیده تغییر آب و هوا بر وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه، درس‌هایی از عملکرد کشورهای همسایه در مدیریت منابع طبیعی خود گرفته شود.

۳. سازمان‌های مردم‌نهاد با بهره‌گیری از منابع مالی برنامه کمک‌های کوچک جف، دولت و مردم سهم بیشتری در احیای دریاچه و اجرای برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه به عهده گیرند. همچنین در طرح مخاطرات ناشی از بحران فعلی در مجامع مختلف، همکاری با نهادهای دولتی و بالا بردن سطح آگاهی مردم برای احیای دریاچه مشارکت فعال داشته باشند.

۴. طی گزارشی به دبیرخانه کنوانسیون رامسر، وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه که غالباً به دلیل فعالیت‌های انسانی به وجود آمده، منعکس و درج آن در فهرست مونترو درخواست گردد.

۵. طی گزارش‌های دوره‌ای به دبیرخانه‌های کنوانسیون رامسر، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون گونه‌های مهاجر و نیز یونسکو، وضعیت بحرانی دریاچه و نگرانی‌های موجود در خصوص آینده آن اعلام شود.
۶. در مواضع ملی کشور در خصوص محیط زیست به طور کلی و تغییر آب و هوا به‌طور خاص در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی تجدیدنظر گردیده و ضمن تلاش سازمان‌یافته برای "کاهش انتشار"^۱ گازهای گلخانه‌ای در داخل و طراحی و اجرای برنامه "سازگاری"^۲، همکاری بیشتری با نهادهای بین‌المللی مربوطه و سایر دولت‌ها در جهت حفاظت از محیط زیست و مقابله با پدیده تغییر آب و هوا به عمل آید.
۷. برای جذب کمک‌های مالی و فنی دولت‌های دیگر به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند علاقمند تلاش لازم به عمل آید.
۸. وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه و تمهیدات به‌عمل آمده در این زمینه در اولین نشست طرف‌های هر یک از کنوانسیون‌های سه‌گانه مورد اشاره، اجلاس یونسکو و سایر مجامع زیست محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی توسط هیأت‌های ایرانی اعلام شود.
۹. همایشی بین‌المللی با همکاری دبیرخانه‌های کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون رامسر، کنوانسیون گونه‌های مهاجر، برنامه محیط زیست ملل متحد، برنامه عمران ملل متحد و یونسکو به منظور بررسی آخرین وضعیت دریاچه ارومیه، استفاده از دانش و تجربیات دیگران، و نیز جلب توجه و همکاری جامعه بین‌المللی نسبت به این فاجعه زیست محیطی با حضور کارشناسان داخلی و خارجی و نیز مقامات ذی‌ربط کشور ترجیحاً در ارومیه یا تبریز برگزار گردد.
- بدیهی است برای تحقق پیشنهادهای یادشده، دستگاه دیپلماسی و سازمان حفاظت از محیط زیست کشور مسئولیت اصلی را خواهند داشت و در این راه باید از حمایت و همکاری دیگر نهادهای داخلی برخوردار باشند.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، "مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی"، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. امین‌منصور، جواد (۱۳۹۰)، "مدیریت موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی: سیر تحولات در رژیم‌های پایبندی و اجرا"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

۳. امین منصور، جواد (تابستان ۱۳۹۱)، "از ریو تا ریو + ۲۰: بررسی مذاکرات و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۴. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۳)، "درآمدی بر روابط بین‌الملل"، ترجمه: مهدی ذاکرین، احمد تقی‌زاده، حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.

5. Eubanks, Stephanie L., Mary Margaret Evans, John W. Mentz, & Robert W. Chandler (2000), "The Changing Definition of National Security", in: "Environment and Securities: Discourses and Practices", Edited by Miriam R. Lowi & Brian R. Shaw, London: Macmillan Press.

6. Jacobson, Jodi L (1988), "Environmental Refugees: A Yardstick of Habitability". Volume 86 of World Watch Paper. Washington DC: World Watch Institute.

7. Homer-Dixon, Thomas F (1991), "Environmental Change and Human Security". Toronto: Canadian Institute of International Affairs.

8. Mandel, Robert (1994), "Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis". New York: Greenwood Press.

9. Porter G. & Brown J.W. (1996), "Global Environmental Politics", Boulder: Westview Press.

10. Sheehan, Michael (2005), "International Security: An Analytical Survey". Colorado: Lynne Rienner Publishers.

11. The Ramsar Convention on Wetlands, at: <http://www.ramsar.org>;

12. The Convention on Biological Diversity, at: <http://www.cbd.int>;

13. The UNESCO, at: <http://en.unesco.org>.